

سلاح صلح در دست کدامین نیرو؟

عرفان مروت جو

وقایع 11 سپتامبر برای هیئت حاکمه آمریکا و در رأس آن کارتل‌های عظیم سرمایه داری که قانون گذاران این مملکت هستند وسیله ای شد تا با نام مبارزه با تروریسم لشکرکشیهای خود به نقاط مختلف جهان را که حاصلش تحمیل جنگ ویرانگر به ملت‌های افغانستان و عراق بود را بوجود آورند. علیرغم اعتراضات گسترده و میلیونی که در سراسر جهان علیه جنگ افروزی آمریکا و متحدینش روی داد، جنگ ویرانگر توسط آمریکا و موثلفینش به افغانستان و بعدها به عراق تحمیل شد. طالبان این نیروی مافوق توحش و جهل و خرافه قدرت سیاسی را در افغانستان رها و دولتی دست نشانده آمریکا با مشارکت مهره های وابسته به سازمان سیا و بقایای طالبان و دستجات دیگر اسلامی که نماینده عشایر موجود میباشند با همان افکار سیاه مذهبی قدرت سیاسی را در دست گرفتند. جنگ ویرانگر نه تنها نتوانست آن اهداف مشخص آمریکا را به واقعیت برساند بلکه گروه‌های اسلامی تروریست را با رشد روز افزونی روبرو ساخت.

اگر در زمان طالبان مردم سخت تحت فشار قوانین عقب افتاده مذهبی در عذاب بودند، اگر زنان در زمان طالبان سختترین دوران بربریت را بخود دیدند، اگر در زمان طالبان دختران از رفتن به مدرسه منع شدند، اگر زندان و اعدام در این دوران پدیده ای عادی بود و اگر و اگرهائی از این نوع در زمان طالبان زندگی را بر مردم افغانستان سیاهتر نمود، بیگمان جنگ افروزی آمریکا و موثلفینش که حامل دمکراسی و آزادی بخصوص خودشان است، نه تنها نتوانست اگرهای موجود در دوران طالبان را تغییر و صلح و آرامش را برای مردم افغانستان به ارمغان بیاورد بلکه فقر و بیکاری، کشتار و آوارگی و ناامنی را برای توده های مردم افغانستان بسمراورد. امروز نه تنها دولت دست نشانده آمریکا در افغانستان نتوانسته مشکلات سیاسی و اقتصادی را رفع نماید بلکه فقر و تنگدستی توده های محروم جامعه باعث شده تا نیروهای طالبان با بهره گرفتن از موقعیت فرودست توده های محروم و با پرداختن حقوق به کسانی که به آنها ملحق میشوند توده ها را به لبه کشتار برده و استقرار نیروهای اشغالگر را با مدت زمانی طولانی روبرو سازند. البته نقش گروه‌های اسلامی تندرو و دولت پاکستان و ایران در تقویت طالبان و دیگر گروه‌های اسلامی را نیز نباید نادیده گرفت.

هنوز سناریو افغانستان بحال خود باقی بود که سیاست لشکرگشائی آمریکا و متحدینش بار دیگر علیرغم مخالفت‌های میلیونی، جامه عمل پوشید و اینبار عراق را هدف آماج خود قرار دادند. اینبار باز با نام مقابله با تروریسم و مقابله با ساخت سلاح‌های کشتار جمعی هزاران تن بمب بر سر مردم بی‌دفاع عراق فروریختند. سه سال از این فاجعه میگذرد اما کماکان و هر روز قربانی بیشتری میگیرد. در این مدت تاکنون نزدیک به هفتصد هزار نفر کشته و زخمی شده اند و هزاران نفر دیگر معلول و میلیونها نفر آواره شده اند. جنگ داخلی را دامن زدند و نتیجه اش ناامنی عراق و سیه روزی میلیونها نفر از توده های محروم این جامعه میباشد. آمریکا و موثلفینش امروز با شکست روبرو شده اند. سیاست مقابله با تروریسم و سلاح های کشتار جمعی تنها بهانه ای برای بنمایش گذاشتن قدر قدرتی آمریکا و تسلط سیاسی و اقتصادی خود بر جهان میباشد. رشد بیسابقه گروه‌ها و دستجات اسلامی تندرو زیر چتر حمایتی کشورهای اسلامی از جمله ایران توانسته امنیت کل جهان را بمخاطره کشاند.

امروز برکسی پوشیده نیست که دولت ایران با کمکهای عظیم خود به گروههای اسلامی در گوشه و کنار جهان ، پایه های تروریسم اسلامی را به همراه آمریکا تقویت نمود . کمکهای مالی به گروههایی همچون حماس و حزب الله لبنان توانست این گروهها را در سطح سیاسی مطرح و خطری برای امنیت منطقه شوند . کمک و تقویت دستجات اسلامی گوناگون در عراق و دامن زدن به جنگهای فرقه ای و در واقع ناامن نمودن عراق و منطقه از عمده اولویتها و اهداف دولتهای ایران و سوریه و آمریکا و متحدانش است . شکست سیاستهای آمریکا در عراق باعث شده تا از دولتهای ایران و سوریه جهت کمک به روند صلح در عراق کمک نمایند .

سوریه همچون ایران در تقویت تروریسم و گروههای اسلامی دست بالائی را دارد . این دولت که خود در سرکوب مردم کردستان این کشور نهایت قضاوت را بعمل آورده و هر ندای آزادیخواهی را همانند دولت ایران تنها با شکنجه و اعدام و گلوله پاسخ میدهند ، جای بسی تعجب است که بعنوان حافظین صلح و وسیله ای جهت برقراری صلح در عراق از آنان استفاده میشود . جمهوری اسلامی امروز بیش از پیش دچار رکود سیاسی ، اقتصادی میباشد . نزدیک به سه دهه حاکمیت این رژیم ، سیه روزی عمیق توده های محروم جامعه و کشتار صدها هزار نفر از کارگران و توده های جامعه در میدانهای جنگ ارتجاعی هشت ساله و جنگ علیه جنبش انقلابی کردستان بود . این رژیم با داشتن پرونده کشتار هزاران زندانی سیاسی و سرکوب جنبشهای کارگری ، جوانان ، دانشجویان ، معلمان ، زنان ، سنگسار ، قصاص و شکنجه و بعنوان دولتی جنایتکار شناخته شده است . برای دولتهای ایران و سوریه و آمریکا با پرونده ای سیاه در امر جنایت چطور است که امروز سلاح صلح در منطقه را در دست اینان میبینند گویا امری است مربوط به استقرار دموکراسی و آزادی نوع بورژوازی .

دولتهای ایران و سوریه و نیز آمریکا و موثلفینش هیچگاه نمیتوانند داعیه صلح و آرامش در منطقه را داشته باشند . اینان بعنوان بانیان تروریسم دولتی و مذهبی بایستی در جامعه بین الملل محاکمه گردند . امروز جامعه بشریت آزاداندیش بخوبی میداند که تنها راه حل صلح و آرامش در منطقه ، خروج نیروهای اشغالگر از مناطق اشغالی ، مشارکت مستقیم مردم در سیاست گذاری ، خلع سلاح گروههای تروریست پرور و اسلامی و از بین بردن سلاحهای کشتار جمعی است . بنابراین نه دولتهای ایران ، سوریه و آمریکا بلکه تنها ، نیروی بشریت متمدن و در رأس آن نیروی کارگران و زحمتکشان است که صلح و آرامش را میتوانند بسمر رسانند و سوسیالیسم تنها راه نجات بشریت از یوغ استثمار و بردگی و و استقرار صلح و آرامش و آزادی و برابری در جهان است .

دسامبر 2006